



Economic Education in the Islamic Standard system from the Perspective of the Holy Quran

(Received: 2022/08/02 / Accepted:2023/07/19)

Hamid Mahjour¹

ABSTRACT

One of the most important areas of communication in the Islamic system is the relations in the economic field, and many other relationships of people are affected by that. The most correct way to organize economic relations in society is based on a reliable source of necessities, the non-compliance of which will result in to irreparable damage. The Holy Qur'an, as the most central Islamic source, considers the attention to management of livelihood as an important principle in people's lives. In this article, the researcher seeks to enumerate the most important effective components in economic education from the perspective of the Holy Quran, with the aim of planning a model for economic education in the Islamic standard system, with a descriptive and analytical method. By examination of the verses related to the science of economics and the existing interpretations related to it, especially the interpretation of Al-Mizan, three components of "cognitive", "attitudinal" and "behavioral" have been extracted.

The findings of the research show that faith in the absolute ownership of God, belief in resurrection, belief in divine dignity and caliphate, belief in divine sustenance, and instrumental attitude towards worldly wealth are among the cognitive components of economic education. Focusing on justice, contentment, asceticism and moderation, the spirit of contentment in life, the spirit of removing poverty and caring for the poor, are among the emotional and attitudinal component of economic education. And giving charity for the sake of God, trying to earn a living, having an economic plan in life, the spirit of work and service and prudence in investment, are the behavioral components of economic education.

KEYWORDS: Economic Education, Islamic Standard System, Cognitive Components, Attitudinal Components, Behavioral Components, the Holy Quran.

1- Ph.D. student of Philosophy of Education, Khwarazmi University, Tehran; Iran
mahjour1404@gmail.com



تربیت اقتصادی در نظام معیار اسلامی از منظر قرآن کریم

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸)

حمید مهبجورا^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تعاملی در نظام اسلامی تعاملات در حوزه اقتصادی است و بسیاری از دیگر روابط افراد متأثر از آن است. نحوه صحیح تنظیم روابط اقتصادی در جامعه مبتنی بر منبعی قابل اعتماد از ضرورت‌هایی است که عدم رعایت آن خسارت‌های جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. قرآن کریم به‌عنوان محوری‌ترین منبع اسلامی توجه به معیشت و تدبیر آن را اصلی مهم در زندگی افراد می‌شمارد. در این نوشتار محقق در پی برشمردن مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم با هدف درآمدی بر طرح‌ریزی الگویی برای تربیت اقتصادی در نظام معیار اسلامی است که به روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی آیات مرتبط با بحث اقتصاد و تفاسیر موجود مرتبط با آن به‌ویژه تفسیر شریف المیزان مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی استخراج گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایمان به مالکیت مطلقه خداوند، معاد باوری، باور به کرامت و خلافت الهی، اعتقاد به رزاقیت الهی و نگرش ابزاری به مال دنیا از مؤلفه‌های بینشی تربیت اقتصادی است. عدالت محوری، قناعت و زهد، اعتدال و میانه‌روی و مؤلفه‌های کنشی تربیت اقتصادی پرداخت وجوهات شرعی، سعی و تلاش برای کسب روزی، داشتن برنامه اقتصادی در زندگی، روحیه کار و خدمت‌رسانی، تدبیر در سرمایه‌گذاری، روحیه قناعت در زندگی، روحیه فقرزدایی و رسیدگی به محرومان نیز مؤلفه‌های گرایشی تربیت اقتصادی است.

واژگان کلیدی: تربیت اقتصادی، نظام معیار اسلامی، مؤلفه‌های بینشی، مؤلفه‌های گرایشی، مؤلفه‌های کنشی، قرآن کریم.

۱. مقدمه

رفتارها و تعاملات انسانی در جوامع، حاصل بینش‌ها و گرایش‌هایی است که نسبت به مدیریت و تنظیم رابطه انسان با خود، خداوند، سایر انسان‌ها و طبیعت دارند. بخش وسیعی از تعاملات انسان‌ها در راستای تأمین نیازهای اولیه خوراک، پوشاک و مسکن و تأمین نیازهای رفاه انسانی در حوزه رفتارهای اقتصادی قرار می‌گیرد.

تعلیم و تربیت اقتصادی در سالیان دراز مورد توجه اقتصاددانان و برنامه‌ریزان اقتصادی بوده است و در سراسر جهان مراکز آموزشی بسیاری و صدها انجمن و مرکز بین‌المللی به‌طور تخصصی در این زمینه پژوهش می‌کنند (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰: ۳۲). کشورهای پیشرفته سطح سواد اقتصادی در جامعه خود را به‌طور مداوم رصد می‌کنند و نسبت به فهم مفاهیم و مهارت‌های تصمیم‌گیری و تحلیل مسائل اقتصادی در جامعه خود حساسیت نشان می‌دهند (همان: ۴۸). با نگاه به مفاهیم قرآنی و روایات اهل بیت (ع) توجه اسلام به امر معیشت و تدبیر آن کاملاً مشهود است. یکی از ساحت‌های تربیتی مورد توجه اسلام، تربیت اقتصادی است و کنار توجه به امور اخروی توصیه به بهره‌گیری از نعمات الهی در دنیا دارد. تربیت اقتصادی در نظام تربیت رسمی عمومی نیز توسط نگارندگان سند تحول مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان یکی از ساحت‌های تربیتی متریان در نظر گرفته شده است.

هرچند در مورد تربیت اقتصادی پژوهش‌های زیادی انجام گرفته؛ ولی برشمردن مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی در جهت ترسیم الگویی برای تربیت اقتصادی صحیح مبتنی بر نگاه قرآن نیز ضروری می‌نماید. چرا که نبود تعاملات صحیح اقتصادی بین افراد در جامعه عامل ایجاد بسیاری از چالش‌های اجتماعی و فرهنگی خواهد بود. ضروری است ضمن استخراج مؤلفه‌های مختلف تربیت اقتصادی از دیدگاه قرآن و روایات برای دست یافتن به آن‌ها برنامه‌ریزی جامع و کاملی در نظام تعلیم و تربیت انجام شود. مهم‌ترین جنبه‌ی نوآوری این تحقیق، کاربردی بودن موضوعات استخراج شده درباره‌ی تربیت اقتصادی است که به‌راحتی و با آموزش‌های معین در سیستم تعلیم و تربیت قابل دستیابی است؛ از این رو پژوهش حاضر به دنبال آن است با روش توصیفی-تحلیلی مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی را در جهت درآمدی بر طرح الگوی تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم استخراج نماید. بر اساس این فرضیه دین اسلام همواره نسخه کامل و جامعی در تمامی عرصه‌های تربیت در اختیار انسان قرار داده است. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹) نسخه تمامی ساحت‌های تربیتی در

قرآن کریم آمده است لذا سؤال اصلی پژوهش این است که مهم‌ترین مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم چه مواردی است؟

۲. مفهوم شناسی

تربیت: واژه تربیت از نظر لغوی، مصدر باب تفعیل و از دو ریشه «رَبَّ» یا «رَبَّوْ» به معنای رشد، نمو، زیادشدن، افزایش یافتن و اصلاح چیزی آورده شده است. راغب اصفهانی، تربیت را تغییر تدریجی چیزی می‌داند، به نحوی که به حدّ تمام برسد: «انشاء الشيء حالاً فحالا الی حد التمام» (اصفهانی، بی تا: ۳۷۶). ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد: تربیت از ربو، به معنای زیادتی، رشد، نمو و نگهداری است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۳۹۹). برای تربیت در اصطلاح، تعریف واحدی وجود ندارد و هر یک از اندیشمندان بر اساس فلسفه تربیتی خود تعریفی از آن ارائه داده‌اند. افلاطون تربیت را چنین تعریف می‌کند:

«نخستین شکوفایی قابلیت در روح کودک، بدین معنی که لذت و میل در دو نفر به صورتی شایسته در درون کودک پدیدار شود، پیش از آنکه کودک بتواند به یاری خرد به آنچه در درونش می‌گذرد، آگاه شود» (افلاطون، ۱۳۵۴: ۴۳-۴۴).

از میان اندیشمندان اسلامی شهید مطهری (ره) به عنوان یکی از نظریه‌پردازان معاصر انقلاب اسلامی، تربیت را به معنای فعلیت بخشیدن به استعدادها و درونی یکشی و همچنین پرورش آنها می‌داند. در نتیجه به عقیده ایشان این نوع پرورش دادن مخصوص انسان‌هاست و در نتیجه می‌توان گفت تربیت باید پیرو طبیعت و فطرت انشی باشد (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۶-۶۷). در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز آمده است:

«تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد» (مبانی نظری سند تحول: ۱۳۹)

این تعریف نسبت به سایر تعاریف تربیت، جامع‌تر است و به جنبه‌های گوناگون تربیت توجه بیشتری دارد. آنچه در تعاریف تربیت کاملاً مشهود است که تربیت فرآیندی است که اولاً جنبه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد که مطمئناً یکی از جنبه‌های آن تربیت یافتن در زمینه اقتصادی و تعاملات اقتصادی در زندگی است. ثانیاً این تربیت در سه ساحت اساسی بینش و دانش، گرایش‌ها و تمایلات و کنش و رفتار باید حاصل شود.

اقتصاد: واژه اقتصاد از ماده «قَصَدَ» در معنای رفتن، روان شدن، قصد چیزی یا کسی را کردن، خواستن، نیت کردن، در اندیشه کاری بودن (آذرنوش، ۱۳۹۱: ۵۴۴) و امثال آن به کاررفته است. همچنین اقتصاد به معنای اعتدال و میانه‌روی نیز آمده است. (طریحی، ۱۳۶۲، ۳: ۱۲۷).
راغب اصفهانی در مورد کلمه اقتصاد آورده است، این واژه بر دو گونه است:

«اول- اقتصاد پسندیده به‌طور مطلق: در میانه‌روی چیزی که دو طرف افراط و تفریط دارد. مثل جود یا بخشش که میان حالت زیاده‌روی و بخل قرار دارد و شجاعت که حالتی است ما بین تهور و ترس. آیاتی چون «وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ» (لقمان: ۱۹) و «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا» (فرقان: ۶۷) بدین معنا اشاره کرده است. دوم- اقتصادی که کنایه از چیزی میان حالت پسندیده و ناپسند است، مثل قرار گرفتن میان عدل و جور (که نه عدالت است و نه جور و ستم) یا حالت و موقعیتی در میان نزدیک و دور مانند آیه: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» (فاطر: ۳۲) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۷۲).

در میان اقتصاددانان تعاریف مختلفی از مفهوم اقتصاد بیان شده است. تعریفی که بیشتر مورد توافق قرار گرفته است، عبارت است از: «مطالعه چگونگی استفاده از منابع کمیاب جامعه به‌منظور تولید کالاهای باارزش و توزیع بین افراد مختلف است» (ساموئلسن و نورد هاوز، ۱۳۸۸، ۱: ۷)؛ از این رو با توجه به کمبود منابع لازم است، فرآیند تولید و توزیع به بهترین وجه در جوامع صورت گیرد که لازمه آن علاوه بر پیشرفت جوامع به لحاظ ابزارآلات تولید، رشد یافتگی، مشارکت صحیح مردم در فرآیند تولید، توزیع و مصرف است.

نگاه اسلام به مسئله اقتصاد، نگاه با محوریت خداوند به‌منظور اصلاح و سعادت انسان است و امور اقتصادی بشر را جزئی از مجموعه قوانین خود می‌شمارد که تنها می‌تواند قسمتی از حیات انسانی را تنظیم کند و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم مؤثر می‌داند چنانکه در روایت آمده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (حرعاملی، ۱۳۹۲، ۱۵: ۳۶۵)؛ نزدیک (و ممکن) است فقر موجب کفر شود.

تربیت اقتصادی: تربیت اقتصادی در دیدگاه اسلام عبارت است از ایجاد آمادگی‌های لازم در مرتبه‌های بنحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود، بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا کند و با اتخاذ میانه‌روی، از منابع موجود به نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد و در طریق تولید، توزیع و مصرف شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه این فعالیت‌ها را در جهت قرب به خدا و کسب رضای او به انجام رساند (ایمانی، ۱۳۹۱: ۶۱).

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای در سند تحول آموزش و پرورش به‌عنوان بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی یعنی بعد اقتصادی و معیشتی انسان‌هاست. این ساحت ناظر به رشد توانایی‌های متریبان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای، درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب‌وکار و احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی است. (مبانی نظری سند تحول بنیادین: ۹۶)

نظام معیار اسلامی: در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در تعریف نظام معیار اسلامی آمده است: «مبانی و ارزش‌های مبتنی بر دین اسلام ناب محمدی یا سازگار با آن، مشتمل بر سلسله‌مراتبی از ارزش‌هاست که ناظر به همه‌ی ابعاد زندگی انسان است، زیرا دین اسلام به همه‌ی عرصه‌های امور اجتماعی و فردی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی زندگی بشر پرداخته است (نفی سکولاریسم) هرچند نسبت به پاره‌ای از این عرصه‌ها، به‌عرضه کلیات اکتفا و نسبت به بخشی دیگر، جزئیات را نیز ذکر کرده است.» (مبانی نظری سند تحول بنیادین: ۱۳۱) بر این اساس برای بررسی هرگونه تعامل انسانی در جامعه اسلامی باید به همه ابعاد اعم از بینش، گرایش و کنش توجه شود تا بتوان بر اساس آن الگوی متناسب با نظام معیار ارائه نمود. با توجه به مدل بینش، گرایش و کنش؛ حوزه بینشی دربرگیرنده گرایش‌ها و کنش‌های افراد است. با بررسی آیات مرتبط با بحث تربیت اقتصادی در قرآن کریم سه دسته مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی استخراج شده است.

۳. مؤلفه‌های بینشی

مؤلفه‌های بینشی حوزه‌هایی از تعلیم و تربیت است که با بینش انسان سروکار دارد که هدف آن آموزش یا تقویت بینش‌های مخاطبان در سطوح مختلفی مانند دانش، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی است. مرحله دانش مرتبه‌ای از شناخت و بینش است که در آن، آموخته‌ها حفظ می‌شوند و قابل یادآوری هستند. مرحله درک، مرتبه‌ای است که در آن، توانایی فهم و توضیح مطلب، خلاصه‌گیری از آن و پیش‌بینی ثمرات و نتایج آموخته‌ها ممکن می‌گردد. در مرحله کاربرد، یادگیرنده توانایی استفاده از آموخته‌ها را در موقعیت‌های جدید پیدا می‌کند و می‌تواند قواعد و اصول کلی را در موقعیت‌های عملی به کار گیرد. در مرحله تجزیه و تحلیل،

آموخته‌ها قابل تقسیم به اجزای تشکیل دهنده خود هستند و روابط میان آن‌ها قابل تحلیل خواهد بود. در مرحله ترکیب، یادگیرنده می‌تواند با به‌کارگیری قدرت خلاقیت خود، اجزای آموخته‌ها را با یکدیگر ترکیب نماید؛ و در مرحله نهایی یادگیرنده می‌تواند درباره مطالب آموخته‌شده قضاوت و اظهار نظر کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۳۰). توحید باوری، ایمان به مالکیت مطلقه خداوند، معاد باوری، باور به کرامت و خلافت الهی انسان، اعتقاد به رزاقیت الهی و نگرش ابزاری به مال دنیا از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های بینشی موثر در تربیت اقتصادی به شمار می‌رود.

الف) توحید باوری

محور اصلی نظام تشریح احکام و همچنین تعلیم و تربیت، جهاد و اجتهاد و اصلاح خود و دیگران همواره اعتقاد به توحید خداوند است؛ بنابراین در سایه عنصر تلاش برای خدا و جلب رضایت او، دشواری‌های امت اسلامی برطرف و نیازهای جامعه انسانی مسلمانان و غیرمسلمانان نیز رفع خواهد شد. این مسئله باعث حفظ عزت آن‌ها می‌گردد؛ لذا می‌توان گفت تمامی اقدامات انسان در سایه توحید معنا پیدا می‌کند و هیچ چیزی همتای جلب رضایت خداوند نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۴).

با توجه به اهمیت «ذکر الهی» و نقش سازنده آن در پیشرفت معنوی انسان‌های مؤمن، خداوند مؤمنان را از توجه به اموری که انسان را از یاد خدا بازمی‌دارد، بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون: ۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولادتان شما را از یاد خدا باز ندارد و هر کس چنین کند، از زیانکاران است. بدیهی است، توجه به مال و زندگی دنیوی، در صورتی که انسان را از یاد خدا باز دارد و به‌سوی دنیازدگی بکشاند، نهی شده است و به‌عبارت‌دیگر، هدف انسان در زندگی توجه به آن‌ها باشد، ولی در صورتی که انسان مراقب نفس خویش باشد و از این‌ها به‌عنوان وسیله برای رسیدن به سعادت ابدی استفاده کند، نه تنها مذموم نیست، بلکه سفارش هم شده است.

علامه طباطبایی درباره توحید باوری می‌گوید:

«اگر انسان با نهادی پاک و دلی آرام، نگاهی به جهان هستی نماید، در هر گوشه و کنار آن، آثار و دلایل وجود پاک آفریدگار را مشاهده خواهد کرد. از هر درودیواری به ثبوت این حقیقت گواهی خواهد شنید. انسان در این جهان با هرچه روبه‌رو می‌شود، یا پدیده‌ای است که خدا آن

را آفریده یا خاصیتی است که خدا در آن نهاده یا نظامی است که به امر الهی در همه چیز جاری و حکم فرما گشته است. آدمی نیز خود یکی از همان هاست و سرپایش به این حقیقت گواهی می دهد» (طباطبایی، ۱۳۵۹: ۵)؛

بنابراین کسی که در مکتب توحید ناب تربیت نشده، در حوادث گوارا، گرفتار ناسپاسی، تکبر و غرور می شود و در حوادث ناگواری که بر اثر تبهکاری خود او به وی می رسد، ناامید است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۷: ۶۷۷).

خداوند در آیه ۹۶ سوره اعراف می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند [به عذاب سخت] گرفتیم. در این آیه خداوند متعال به صراحت بیان می دارد که ایمان و تقوای الهی عامل نزول برکات مادی و معنوی بر جوامع است. «برکت» به معنای ثبات و چیزی است که پایدار باشد. ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می شود، بلکه باعث می گردد که آنچه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود و طبعاً آثار آن باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه برکات خواهد بود (مکارم شیرازی، ۶: ۲۶۶).

ب) ایمان به مالکیت مطلقه خداوند

توحید در خالقیت، نوعی رابطه وجودی میان خداوند با سایر موجودات را ترسیم می کند که بر اساس آن همه مخلوقات تکویناً در اختیار خداوند است. بدین معنی که هر چیزی همان طوری که خداوند می خواهد، موجود می شود. لذا می توان گفت همه چیز در اصل وجود و همه شئون وجودش، کاملاً در اختیار خداوند و تحت تسلط اوست، به تعبیر دیگر می توان گفت خداوند مالک همه چیز است: «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ» (طه: ۶).

مالکیت در معنای عرفی خود، مفهومی است که برای کسی نسبت به چیزی اعتبار می شود تا به این وسیله تصرفات او را در آن چیز معتبر و مجاز بدانند. برای مثال وقتی کسی مالک کتابی می شود گرچه با مالک شدن آن رابطه حقیقی و تکوینی او و آن کتاب تغییری نمی کند؛ اما مالکیت حقیقی که همان سلطه تکوینی است، نیاز به اعتبار ندارد و در نتیجه جواز به حق تصرف

مالک حقیقی در ملک خود یعنی در آن چیزی که حقیقتاً در اختیار و تحت سلطه اوست، ذاتی است و جواز و حق تصرف دیگران نیازمند رضایت و اذن مالک حقیقی از جمله از راه جعل مالکیت اعتباری برای آنهاست. به این ترتیب مالکیت حقیقی و مطلق الهی مستلزم حق انحصاری خداوند برای تصرف در همه چیز است، به این معنا که کسی جز خداوند متعال مجاز به تصرف در موجودات نیست مگر به رضایت و اذن او (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

انسانی که خود را مالک حقیقی چیزی نداند و همه را از آن خداوند متعال به حساب بیاورد، در عرصه‌های اقتصادی همیشه نگاه اعتباری به مالکیت‌ها دارد و در نتیجه از بسیاری آسیب‌ها و فسادهای اقتصادی از جمله احتکار، تضییع حقوق مردم، ثروت‌اندوزی در امان خواهد ماند.

ج) معاد باوری

مهم‌ترین عامل در هدایت انسان، اعتقاد به قیامت و یاد معاد است و بر اساس آیه ۲۶ سوره ص فراموشی روز حساب اساسی‌ترین عامل تبهکاری و مبتلا شدن به عذاب است. آیه الله جوادی آملی با اشاره به اینکه در بسیاری از آیات قرآن کریم، سخن از معاد و قیامت به میان آمده است، معتقد است توجه قرآن کریم به امر معاد و کیفر الهی به قدری است که می‌توان گفت عامل تمایز آن از دیگر کتاب‌های آسمانی شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ۱: ۳۹۱). ایشان همچنین معتقدند:

«طرح معاد در دیگر کتاب‌های آسمانی موجود کنونی به قدری ضعیف است که برخی احتمال دادند اصلاً تورات و انجیل معاد را مسئله اساسی تهذیب و تربیت جامعه بشری نمی‌دانند، در حالی که چنین نیست. البته اصراری که قرآن بر تنبّه به معاد دارد در آن‌ها یافت نمی‌شود. به هر تقدیر، تذکره قیامت از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین اصول تربیتی قرآن حکیم است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب، ۴: ۴۱).

بنابراین دین اسلام هم مجموعه قوانینی است که با آن هدف معاد انسان هماهنگ است و خداوند تنها مرجعی است که از معاد انسان آگاه است؛ پس فقط او می‌تواند قوانین را برای تربیت انسان در جهت نیل به آن هدف معین کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب: ۹۸).

خداوند در سوره تکاثر می‌فرماید: «ثُمَّ لِنُسْئِلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکاثر: ۶). دو نکته در این آیه وجود دارد: اول اینکه مخاطب آیه همه عموم مردم است که شامل همه افرادی است که تکاثر نعمت، آن‌ها را از یاد خدا غافل کرده است. دوم: مراد از «نعم» مطلق نعمت است و بازخواست

از تمامی نعمت‌ها انجام می‌شود. از آنجا که نعمت چیزی است که سازگار با زندگی و کمال منعم علیه است و خیر و منفعت او را تضمین می‌کند، پس استعمال این نعمت‌ها به طریق خداپسندانه که انسان را به غایت مطلوبش برساند، همان راهی است که آدمی را به غایت و هدف از خلقتش که همان اطاعت است می‌رساند (طباطبایی ۲۰، ۱۳۷۴: ۶۰۳). بر اساس انسان باید تمامی نعمات را وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نهایی خود یعنی قرب الهی بدانند، در غیر این صورت مرتکب گناه شده است. لذا نقش آخرت‌اندیشی و معاد باوری در تربیت و پرورش انسان نقشی بی‌نظیر است؛ زیرا افق دید را دگرگون می‌کند و انسان را قدرت خداوند و حقیقت خویش آشنا می‌کند و انسان را مسئول و متعهد بارمی‌آورد.

د) باور به کرامت و خلافت الهی انسان

کرامت از نظر تربیتی به معنای منزه بودن از پستی و فرومایگی و برخوردار بودن از اعتلای روحی است (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۲۱-۲۳) و این کرامت امری است که به صورت ذاتی خداوند متعال انسان را بدان مفتخر کرده است. کرامت انسان در پرتو خلافت خداوند است و «خلیفه، کسی است که در تمام شئون علمی و عملی خود، تابع «مستخلف عنه» باشد و برابر علم او اندیشه پیدا کند و مطابق اراده او صاحب‌انگیزه شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۱۹۶). اگر انسانی بر محور هوا و هوس خود باشد، به مقام منبع خلافت خدا نمی‌رسد و در نتیجه، از کرامت خلافت سهمی نخواهد داشت. (همان).

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ» (حدید: ۷)؛ پس برای کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده‌اند، پاداش بزرگی خواهد بود. استخلاف انسان به معنای خلیفه کردن انسان است. علامه طباطبایی دو منظور از استخلاف در این آیه را بیان می‌کند: استخلاف یا بدین معناست که خداوند متعال انسان را در زمین جانشین خود کرده است، همانطور که در آیه شریفه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰) آمده است. با این تعبیر چون آدمی خودش و تمام اموالش از آن خداوند است و در واقع آدمی در آنچه دارد خلیفه و وکیل از جانب خداوند است؛ لذا انفاق کردن برایش آسان می‌شود. یا اینکه منظور از استخلاف این است که خداوند ایشان را جانشین پیشینیان خود در آن اموال کرده است و با چنین فرضی باز به بیانی دیگر آنها را به انفاق تشویق کرده است، چون وقتی درمی‌یابند که این اموال قبلاً در دست دیگران بوده و به آنان وفا نکرده، متوجه می‌شوند که به ایشان نیز وفا نخواهد کرد و در

زمان کوتاهی با اتمام عمر آنها را برای دیگران خواهند گذاشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹: ۲۶۶) و در هر دو احتمال نتیجه این است که دل‌بستگی به مال و ثروت بی‌فایده است، چرا که همه آن‌اماتی است که باید در راستای قرب الهی به کار گرفته شود. باور به کرامت و خلافت الهی، تعاملات اقتصادی در جامعه را متحول می‌کند و نگرش انسان به ثروت، هدف‌گذاری اقتصادی، شیوه برخورد با منابع و درآمدهای مالی و شیوه رفتار با دیگران به کلی دگرگون می‌شود. ارزش انسان از یک وسیله و ابزار کسب درآمد که در غرب مطرح است، به مراتب فراتر می‌رود و به موجودی ارزشمند و ارزش‌آفرین بدل می‌شود. اعتقاد به جانشینی انسان در زمین به‌عنوان نماینده خدا در این کره خاکی، از طرفی ارزش آدمی را روشن می‌سازد و اینکه همیشه باید کرامت او را پاس داشت و نباید کاری برخلاف کرامت انسانی انجام داد و از طرف دیگر انسان در تمامی شئون از جمله صداقت، مهربانی و عدالت باید تابع «مستخلف عنه» باشد.

۵) اعتقاد به رزاقیت الهی

باور به رزاقیت الهی یکی از مبانی مهم تربیت اقتصادی است. انسانی که باور دارد در هر شرایطی خداوند رزق او را متناسب با تلاشش عنایت می‌کند، از بسیاری انحرافات اقتصادی از جمله احتکار، تقلب و گران‌فروشی در امان خواهد بود. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود: ۶)؛ تمامی جنبنده‌هایی که در زمین هستند، رزقشان بر عهده خداوند است و هرگز بدون رزق نمی‌مانند و خداوند متعال دانا و با خبر از احوال آن‌ها است هر جا که باشند.

شهید مطهری می‌نویسد:

«آدم متقی هرگز از راه‌های نامشروع به دنبال روزی نمی‌رود، ولی خدا راه دیگری از روزی به روی او باز می‌کند که آن راه مزیتی دارد که راه عادی و معمولی و لو حلال هم باشد، ندارد و آن این است که رزق «لَا يُحْتَسَبُ» به او می‌رسد، یعنی از راه‌هایی روزی به او می‌رسد که خود گمان نمی‌برد، چون راهی است که عادتاً از آن راه به آن نمی‌رسد، یعنی حس می‌کند که از دست خدا دارد می‌گیرد. روزی همیشه به دست خداست، از راه عادی هم به انسان برسد باز به دست خداست، اما فرق است، میان اینکه انسان طوری زندگی کند که دست خدا را و لطف خدا را در مورد خودش حس و مشاهده کند و اینکه آن را حس و مشاهده نکند. آدم متقی و پرهیزکار، در روزی گرفتن از خدا دست خدا را مشاهده می‌کند، می‌بیند که او چطور

آن محرومیت‌های از راه نامشروع را تحمل کرد و چگونه خداوند در دیگری به روی او گشود و باز کرد» (مطهری، ۱۳۷۷، ۲۷: ۴۰۷).

ز) نگرش ابزاری به مال دنیا

ثروت و دارایی انسان صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به حیات طیبه و قرب الی الله است. با انحراف از این عقیده در بسیاری از مردم علاقه به مال و ثروت به عنوان هدف انگاشته می‌شود و وسیله بودن آن به فراموشی سپرده می‌شود. بدین صورت که محبت به مظاهر شهوت در نظر بعضی از مردم زینت داده شده و بزرگ‌تر و زیباتر از آنچه هست جلوه داده شده و افراد را به خود مشغول و مفتون کرده است و به صورت کمال مطلوب درآمده است (همان، ۲۲: ۲۱۹). خداوند می‌فرماید: «لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمَسُومَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» (آل عمران: ۱۴)؛ علاقه به شهوات یعنی زنان و فرزندان و گنجینه‌های پر از طلا و نقره و اسبان نشان‌دار و چارپایان و مزرعه‌ها علاقه‌ای است که به وسوسه شیطان بیش از آن مقدار که لازم است در دل مردم سر می‌کشد باینکه همه این‌ها وسیله زندگی موقت دنیا است و سرانجام نیک نزد خدا است.

در مورد گرایش به مال و ثروت آنچه مهم است، تعدیل آن با نگرش درست به دارایی‌ها و همان نگاه ابزاری به مال و ثروت است و اینکه دنیا، هدف اصلی نیست و ابزاری برای رسیدن به هدف است. نباید به پول و دارایی، به عنوان هدف نگریست؛^۲ چرا که نگرش هدف‌گرایانه به ثروت، انسان را از هدف اصلی بازمی‌دارد و گرفتار آسیب‌های فکری و رفتاری می‌کند.

۴. مؤلفه‌های گرایشی تربیت اقتصادی

مؤلفه‌های گرایشی اعم از گرایش‌های مثبت و منفی است. مؤلفه‌های گرایشی نیز شامل دریافت، واکنش، ارزش‌گذاری، سازمان‌بندی و تبلور می‌شود. در مرحله دریافت، یادگیرنده به موضوع، دقت و توجه می‌کند. در مرحله واکنش، نسبت به موضوع، علاقه و واکنش نشان

۱- وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق: ۳).
۲- امام علی علیه السلام نیز در این زمینه می‌فرماید: «بالدنيا تحرز الآخرة» به وسیله دنیا، آخرت تثبیت می‌شود (نهج البلاغه: ۲۱۹).

می‌دهد. در مرحله ارزش‌گذاری، نگرش یادگیرنده شکل می‌گیرد و نسبت به موضوع، از خود تعهد و مسئولیت نشان می‌دهد. در مرحله سازمان‌بندی، با ادغام ارزش‌های مختلف و رفع تعارض میان آن‌ها، اقدام به ساخت یک نظام ارزشی منسجم می‌پردازد؛ و در آخرین مرحله یعنی تبلور، فرد نظام ارزشی خود را تشکیل می‌دهد و شخصیت و رفتارهای خود را بر اساس آن تنظیم می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۳۰).

برخی از مؤلفه‌های گرایش تربیت اقتصادی عبارتند از: عدالت محوری، قناعت و زهد، اعتدال و میانه‌روی که به اختصار به توضیح هر یک می‌پردازیم.

الف) عدالت محوری

انسان به صورت فطری خواهان عدالت و کمک به هم‌نوعان و خواستار اجرای عدالت در تمامی شئون زندگی خود است. بر پایه قرآن کریم، هدف میانی از ارسال پیامبران الهی اقامه قسط و اجرای عدالت است. پیامبران باهدف دعوت به توحید و قیام به حق آمدند تا مدینه‌ای فاضله برای مردم شکل دهند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ج: ۳۱). اسلام، عدالت را یکی از محوری‌ترین اصول اخلاقی و اساسی‌ترین پایه تشکیل جامعه انسانی می‌داند و رعایت آن را در هر شرایطی لازم و واجب می‌شمارد. برپایی عدالت در جامعه درگرو تربیت انسان‌های معتدل و پرورش افراد عادل است. به عبارتی، برپایی عدالت درگرو تعلیم و تربیت است. هرچند که خود از مقدمات آن نیز به حساب می‌آید و فقدان تربیت، اساس عدالت را ویران می‌سازد (علم‌الهدی، ۱۳۹۱: ۲۴۵). میزان اجرای عدالت با میزان طهارت نفس انسانی ارزیابی می‌شود؛ یعنی هراندازه مردم و قدرت حاکم دارای معرفت بالاتر و ایمان بیشتر باشند، به همان اندازه در اجرای عدالت موفق‌ترند. در صورتی که افراد با تهذیب نفس بتوانند پلیدی‌ها را از خود دور سازند و بدون هرگونه خودخواهی و خودپسندی به عرصه اجتماع بیایند، به راحتی می‌توانند مجری عدالت باشند و تنها راه تهذیب نفس، قرار گرفتن در سیستم تربیتی متناسب با فطرت آدمی است که بتواند نیازهای واقعی و شخصیت حقیقی انسان را به او بشناساند.

عدالت محوری در همه عرصه‌های زندگی اعم از فردی، خانوادگی و اجتماعی در رفتار اقتصادی تولید، توزیع و مصرف مؤثر است. در تولید باید بر اساس عدالت، رفتار و منابع طبیعی و مواد اولیه را به صورت عادلانه، میان کارخانه‌های تولیدی تقسیم کرد تا همه به امر تولید بپردازند. در مرحله توزیع نیز باید عدالت محور بود و هر جا نیاز بود، کالاهای و خدمات و فرآورده‌های

تولیدی را برسانند و وارد بازار مصرف کنند، بدون واسطه گرایی و سودجویی. همچنین در حوزه مصرف، هر کس که به نوعی در تأمین نیازهای افراد تحت تکفل خود نقش دارد، بکوشد تا مشکلی برای آنان به وجود نیاید.

ب) قناعت و زهد

قناعت و زهد به لحاظ معنی شباهت بسیاری دارند و آن‌هم ابراز بی‌نیازی از طرف انسان است، نسبت به چیزی که به دست آورده یا اینکه به دست نیآورده است؛ اما تفاوت زهد با قناعت، در این موضوع است که «زهد» یک امر سلبی است، یعنی عدم تمایل به نعمت‌های دنیا و دوری از آنچه در اختیار انسان است و «قناعت»، یعنی کافی دانستن آنچه هست و یک امر وجودی و ایجابی است. امام علی (ع) زهد را این‌چنین معرفی می‌نماید: «الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ: قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ، وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَىٰ الْمَاضِي وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ» (نهج البلاغه: ۵۵۳)؛ زهد بین دو جمله از قرآن قرار دارد. خدای تعالی فرمود: «آنچه را که از دست داده‌اید، به خاطرش غمگین نشوید و آنچه را که خدا به شما داده است، به خاطرش مغرور نگردید»؛ و هر کس که برگزیده تأسف نخورد و به آن چیزی که به او روی می‌آورد، خوشحال نشود دو طرف زهد را به دست آورده است» و از طرفی امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ، خَفِيفُ الْمُؤْنَةِ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۶۴: ۳۶۲) مؤمن، یاریگری شایسته و کم‌خرج است و گذران زندگی‌اش را خوب تدبیر می‌کند.

نقطه مقابل زهد و قناعت، تجمل‌گرایی است که در قرآن کریم مورد مذمت قرار گرفته است.^۱ تربیت اقتصادی با توجه به اصل ساده‌زیستی و قناعت باعث می‌شود. متریان در عرصه اقتصادی از اسراف، تجمل و زیاده‌روی، دوری و به زندگی ساده، قناعت کنند.

ج) اعتدال و میانه‌روی

رفتار اقتصادی از نظر قرآن می‌بایست معتدل و به‌دوراز هرگونه افراطی چون تبذیر و اسراف، یا تقصیر، بخل و خساست باشد. همچنین آموزه‌های اسلامی بر عدالت و اعتدال در تولید ثروت، توزیع و مصرف آن تأکید دارد به گونه‌ای که به محیط‌زیست آدمی و نیز منابع، ضرر، زیان و

۱- لَّهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف، ۱۷۹)

فسادی نرسد. پس در مصرف لازم است به گونه‌ای رفتار کرد که منابع و نعمت‌های الهی تباہ نشود. خداوند در آیه ۸۷ سوره مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده است حرام نکنید و از حد درمگذرید که خدا تجاوزکنندگان از حد را دوست ندارد.

در روابط اقتصادی بحث اعتدال در دو زمینه انفاق و مصرف مورد تأکید قرآن قرار گرفته است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء: ۲۹)؛ در انفاق به محتاجان زیاده‌روی مکن نه بخل بورز که گویی دستت را به گردنت بسته‌اند و نه آن‌چنان بازکن که چیزی (برای روز مبادا) نزد خود نگذاری آن وقت تهی دست بنشینی و خود را ملامت کنی.

قرآن کریم در آیه «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۷)^۱ اعتدال در مصرف را بیان نموده است. انفاق به معنای بخشیدن مال و صرف آن در رفع حوائج خویشتن یا دیگران است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۱۳۳). مؤمنان انفاقی عادلانه و دور از هرگونه اسراف و سخت‌گیری دارند، نه آن‌چنان بذل و بخششی کنند که زن و فرزندشان گرسنه بمانند و نه آن‌چنان سخت‌گیر باشند که دیگران از مواهب آن‌ها بهره نگیرند و «اسراف» یعنی مصرف بیش‌ازحد و در غیر حق و بی‌جا؛ و «اقتار» یعنی مصرف کمتر از حق و مقدار لازم ندارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۵: ۱۵۱).

۵. مؤلفه‌های کنشی تربیت اقتصادی

مؤلفه‌های کنشی و رفتاری شامل تمامی اعمالی است که با اختیار از انسان سر می‌زند و شامل همه رفتارهای درونی مانند حل کردن مسئله، ایمان آوردن یا پرهیز کردن؛ و همچنین رفتارهای بیرونی مانند تقلید کردن، مستقل عمل کردن می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۳۲) پرداخت وجوهات شرعی، سعی و تلاش برای کسب روزی، داشتن برنامه اقتصادی در زندگی، روحیه کار و خدمت‌رسانی، تدبیر در سرمایه‌گذاری، روحیه قناعت در زندگی، روحیه فقرزدایی و رسیدگی به محرومان را می‌توان به عنوان مؤلفه‌های کنشی تربیت اقتصادی برشمرد.

۱- و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.

الف) پرداخت وجوهات شرعی

خمس و زکات از جمله حقوق مالی است که در نظام اقتصادی اسلام برای رفع مشکلات اقتصادی و فقرای جامعه مسلمین پیش‌بینی شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُوهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴)؛ کسانی که طلا و نقره گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند به عذاب دردناکی بشارتشان ده. همچنین در آیه ۷ سوره طلاق بیان می‌فرماید: «آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آن‌ها که تنگدست هستند، از آنچه خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند؛ خداوند به زودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد»^۱ لذا خداوند مقرر داشته است، کسانی که دارای شرایطی باشند (که در مسائل فقهی معین شده است)، بخشی از دارایی خود را انفاق کنند.

با توجه به روایاتی که در زمینه خمس و زکات وجود دارد هدف اصلی تعیین آن، فقرزدایی از جامعه مسلمین بوده است (حرعاملی، ۱۳۹۲، ۶: ۴). به‌عنوان یک اصل تربیت اقتصادی، تبیین هدف و ضرورت این امر توسط نهادهای متولی تربیت از جمله مدارس، رسانه‌ها و خانواده با روش‌های مختلف، برای متریان امری ضروری است تا در زمان وجود شرایط، پرداخت این حقوق را یکی از وظایف اصلی خود در زمینه ایفای نقش اقتصادی بدانند.

ب) سعی و تلاش برای کسب روزی

سعی و تلاش برای یافتن روزی از جمله اصول تربیت اقتصادی است که در صورت تحقق می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه از جمله فقر و بیکاری را از بین ببرد. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ رَحِمْتَهُ جَعَلْ لَكُمْ الَّلَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قصص: ۷۳)؛ روز را برای سعی و تلاش در جهت کسب روزی و شب را برای آرامش و استراحت قرارداد؛ و می‌فرماید: «فَانتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه: ۱۰)؛ پس در زمین منتشر شوید و از فضل خدا طلب کنید. «وَآخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (مزمل: ۲۰)؛ و دیگرانی هستند که در زمین سفر می‌کنند و از فضل خدا طلب می‌کنند. در این آیات و آیات مشابه آن، منظور از «فضل خدا» همان روزی است و کار کردن و تلاش شبانه

۱- لِيُنْفِقُوا ذُورًا مِّنْ سَعْيِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْفِ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

و روزانه و مسافرت، مقدمه‌ای برای طلب روزی از خدا قرار داده شده است. این موضوع در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته و از مردم خواسته شده که برای به دست آوردن روزی تلاش کنند: «قال رسول الله (ص): تسعة اعشار الرزق في التجارة» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۱۴۸)؛ نه قسمت از ده قسمت روزی در تجارت کردن است. امام صادق (ع) نیز تلاش برای کسب روزی حلال را کمک به دین قلمداد می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۰۰: ۵). همچنین در بعضی روایات از کار کسانی که در خانه می‌نشینند و به دنبال روزی نمی‌روند به گمان اینکه خدا روزی آن‌ها را خواهد رسانید، انتقاد شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ورجل يقعد في بيته ويقول رب ارزقني ولا يخرج ولا يطلب الرزق يقول الله عز وجل: عبدي الم اجعل لك السبيل الى الطلب والضرب بجوارح صحیحة؟» امام صادق (ع) فرمود: و مردی است که در خانه خود نشسته و می‌گوید: پروردگارا به من روزی برسان و به دنبال روزی نمی‌رود، پس خداوند می‌گوید: بنده من آیا برای تو راه طلب روزی و کار با اعضای سالم بدن را قرار ندادم؟ (جعفری، ۱۳۷۶، ۵: ۱۸۰).

ج) داشتن برنامه اقتصادی در زندگی

برنامه‌ریزی صحیح و تدبیر معیشت در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی امری مهم است که تأثیر بسزایی در تحقق تربیت اقتصادی دارد. تدبیر و مدیریت فرآیندی منظم و هدفمند است که پس از بررسی علمی و دقیق موضوع مورد مطالعه و هدف‌گذاری، تخصیص منابع و امکانات لازم، تصمیم‌گیری مناسب و اقدامات عملی در جهت تحقق هدف تعیین شده انجام می‌گیرد (علاقه‌بند، ۱۳۸۹: ۱۴).

در قرآن کریم آیاتی در مورد استفاده از حلال از مادیات آورده شده است و از طرفی اسراف و تبذیر مورد مذمت قرار گرفته است که لازمه تحقق آن وجود برنامه‌ریزی صحیح در زندگی و رعایت اعتدال است. امام علی (ع) می‌فرماید: «حُسْنُ التَّدْبِيرِ يَنْبَغِي قَلِيلَ الْمَالِ وَسُوءُ التَّدْبِيرِ يَفْنِي كَثِيرَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۱ ق، ۱: ۳۴۵) تدبیر نیکو مال کم را زیاد می‌کند و تدبیر نامناسب مال زیاد را تباه می‌کند. «قِوَامُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَمَلَكَهُ حُسْنُ التَّدْبِيرِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۱ ق، ۱: ۵۰۳) پایه زندگی اندازه‌گیری خوب است و ملاک آن تدبیر نیکو است.

تدبیر در حوزه اقتصاد به معنای برنامه‌ریزی درست و مناسب خانواده‌ها و مردم، نسبت به قلمرو معیشتی خود است تا با استفاده بهینه از دارایی و امکانات خویش، از اسراف جلوگیری

نمایند و این تدبیر باید بر اساس مبانی عقیدتی و اصول تربیت در اسلام محقق شود.

د) روحیه کار و خدمت‌رسانی

همان‌طور که بیان شد اعتقاد به رزاقیت الهی جزء مبانی تربیت اقتصادی است که بر این اساس رازق مطلق خداوند است و او روزی همگان را می‌رساند. امام علی (ع) می‌فرماید:

«روزی دو گونه است روزی‌ای که تو می‌جوی و روزی‌ای که ترا می‌جوید که اگر تو به سویش نروی او به سویت خواهد آمد، پس اندوه سال خود را بر اندوه روز خویش بار مکن که روزی هرروز تو را بس است، پس اگر آن سال در شمار عمر تو آید، خدای بزرگ در فردای هرروز آنچه قسمت تو کرده است به تو می‌دهد و اگر آن سال در شمار عمر تو نیست، پس غم تو بر آنچه از آن تو نیست چیست؟ و در آنچه روزی تو است هیچ خواهنده‌ای بر تو سبقت نگیرد و هیچ غالبی بر تو چیره نگردد و آنچه برایت مقدر شده تأخیر نپذیرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۵: ۱۴۷).

در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید آمده است:

«این مطلب درست و مطابق با واقع است؛ زیرا رزاقیت بر حسب علم او نسبت به مصلحت مکلف است، پس گاهی روزی او بدون اکتساب و زحمت تلاش و رنج کوشش، حاصل می‌شود و گاهی هم با اکتساب و تلاش و کوشش» (ابن‌الحدید، ۱۳۹۳، ۱۶: ۱۱۴)؛ بنابراین رزق طالب همان رزق بدون رنج است و رزق مطلوب، رزق همراه با رنج اکتساب که برای به دست آوردن آن باید تلاش کرد. تشویق متریبان به کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال از جمله روش‌هایی است که در جهت تأمین معیشت فردی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر است.

ه) تدبیر در سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری و تجارت با اموال در آیات و روایات متعددی بیان شده است. علامه طباطبایی با اشاره به حکم عمومی که در آیه «لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵) برای جامعه اسلامی آمده است، اشاره می‌کند بر اساس این آیه جامعه برای خود شخصیت واحدی دارد که این شخصیت واحده مالک تمامی اموال روی زمین است. خداوند متعال زندگی این شخصیت واحده را به وسیله این اموال تأمین کرده و آن را رزق وی ساخته است، پس بر این شخصیت لازم است تا امور این اموال را مدیریت کند و آن را در معرض رشد و ترقی قرار دهد و

تلاش کند که روزه‌روز زیادتر شود تا برای تمامی افراد جامعه و نیز تک‌تک افراد کافی باشد. جامعه باید حد وسط و اقتصاد را در پیش بگیرد و از ضایع شدن و فساد آن جلوگیری کند. یکی از فروع این اصل این است که اولیا و سرپرستان جوامع بشری باید امور افراد سفیه را خود به دست بگیرند و اموال آنان را به دست خودشان ندهند، بلکه بر سرپرستان آنان لازم است اموال آنان را مدیریت کنند و با استفاده آن در کسب و تجارت و هر وسیله بهره‌وری دیگر آن را افزایش دهند و خود صاحبان مال را که دچار سفاهت‌اند از منافع و درآمد مال حقوق روزه‌روز بدهند تا در نتیجه اصل مال از بین نرود و کار صاحب‌مال به تدریج به فقر تهی‌دستی منتهی نشود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۷۲: ۴).

امام صادق (ع) در اهمیت سرمایه‌گذاری می‌فرماید: «قَالَ: مَا يَخْلِفُ الرَّجُلُ بَعْدَهُ شَيْئاً أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ الصَّامِتِ قَالَ قُلْتُ: لَهُ كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ: يَضَعُهُ فِي الْحَائِطِ وَالْبُسْتَانِ وَالْأَدَارِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۵: ۹۱)؛ آدمی ثروتی ناخوشایندتر از سرمایه‌های راکد پس از خویش باقی نمی‌گذارد. سؤال شد پس با این‌گونه اموال چه کند؟ امام فرمود: آن را در خانه‌سازی و احداث باغ، سرمایه‌گذاری کند.

سرمایه‌گذاری و استفاده صحیح از دارایی‌ها و ثروت در جهت رشد اقتصادی فرد و جامعه مورد توجه اسلام است و آموزش شیوه‌های صحیح سرمایه‌گذاری یا تجارت به متریان، راهی برای جلوگیری از راکد شدن اموال و قرار گرفتن در چرخه تولید است.

ز) روحیه قناعت در زندگی

تقویت روحیه قناعت و مقابله با حرص و طمع، ثبات اقتصادی جامعه را در پی خواهد داشت و کمک شایانی به کنترل اقتصادی جامعه و جلوگیری از افزایش تقاضای کاذب می‌کند. در حدیث قدسی آمده است: «وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۵: ۴۵۳) بی‌نیازی را در قناعت قرار دادم؛ اما ایشان آن را در ثروت فراوان می‌جویند که نمی‌یابند. در قرآن کریم در مورد طمع نداشتن به اموال دیگران آمده است: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» (طه: ۱۳۱)؛ دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف آنان را بهره‌مند کردیم مدوز، [آنچه به آنان داده‌ایم] شکوفه [بی میوه و زیور و زینت] دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است.

ط) روحیه فقرزدایی و رسیدگی به محرومان

یکی از علل مختلف بزهکاری و تخلف از قوانین در جامعه فقر است و راهکار آن مشارکت مردم در رفع نیازمندی دیگران و امور خیریه و عام‌المنفعه است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «همانا مردان و زنانی که در راه خدا (به فقیران) صدقه و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند (به محتاجان قرض الحسنه دهند) احسان آن‌ها را چندین برابر سازند و پاداش با لطف و کرامت نیز خواهند داشت» (حدید: ۱۸).

همچنین در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: انسان پس از مرگش پاداشی نمی‌برد مگر از سه طریق: عمل خیری که در زمان حیاتش جاری ساخته که بعد از مرگش نیز جاری است و صدقه‌ای که از اموالش جدا کرده باشد و به ارث نمی‌رود یا سنت هدایتی که پس از مرگش مورد استفاده است یا فرزند صالحی که برایش دعا کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۵۶)

نکته‌ای که در ترویج روحیه رسیدگی به محرومان باید مدنظر قرار گیرد این است که این امر منجر به گداپرووری نشود و متریان باید از جنبه‌های منفی آن آگاه شوند. وجود نهادهای خیریه و نظارت بر آن‌ها تا حد زیادی در جهت شناسایی محرومین واقعی و کمک به آن‌ها مؤثر است.

۶. نتیجه‌گیری

یکی از ضرورت‌های تحقق تربیت اسلامی وجود شهروندان با تعاملات فردی و اجتماعی متناسب با نظام معیار اسلامی است. در نظام معیار اسلامی تأکید بر سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها در همه ابعاد وجودی انسان اعم از بعد بینشی، گرایشی و کنشی است. با این تعبیر می‌توان گفت در هر یک از ساحت‌های تربیتی انسان باید به این ابعاد توجه شود. تربیت اقتصادی به‌عنوان یکی از ساحت‌های مهم تربیت در جهت تنظیم روابط انسان‌ها در جامعه و در زندگی فردی به شمار می‌آید که این امر مورد توجه دین اسلام به‌عنوان جامع و کامل‌ترین ادیان الهی بوده است. قرآن کریم با ترسیم راهبردهای تدبیر معیشت، استفاده صحیح از دارایی‌ها و اموال را در حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف مورد تأکید قرار داده است.

بر طبق یافته‌های پژوهش مؤلفه‌های بینشی تربیت اقتصادی عبارت است از: توحید باوری، ایمان به مالکیت مطلقه خداوند، معاد باوری، باور به کرامت و خلافت الهی انسان، اعتقاد به رزاقیت الهی، نگرش ابزاری به مال دنیا. مؤلفه‌های گرایشی تربیت اقتصادی عبارت‌اند از: عدالت محوری، قناعت و زهد، اعتدال و میانه‌روی؛ و مهم‌ترین مؤلفه‌های کنشی و رفتاری

تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم عبارت است از پرداخت وجوهات شرعی، سعی و تلاش برای کسب روزی، داشتن برنامه اقتصادی در زندگی، روحیه کار و خدمت‌رسانی، تدبیر در سرمایه‌گذاری، روحیه قناعت، روحیه فقرزدایی و رسیدگی به محرومان است.

این پژوهش به‌عنوان درآمدی بر شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در تربیت اقتصادی در راستای نظام معیار اسلامی از منظر قرآن کریم است؛ لذا به‌عنوان پیشنهاد می‌توان گفت لازم است هر یک از مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی در سطوحی که بیان شد به‌صورت مجزا مورد بررسی محققان محترم قرار گیرد تا بتوان بر اساس آن الگوی جامع تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم در ارتباط با سایر ساحت‌های تربیتی را طراحی نمود. با توجه به اینکه مفهوم تربیت از جمله مفاهیمی است که اجرایی شدن آن مستلزم هماهنگی و همکاری بسیاری از نهادها در جامعه است، همه نهادهای دخیل در تربیت از جمله خانواده، مدرسه، جامعه و حکومت باید طی برنامه‌ای منسجم به دنبال تحقق کامل همه ساحت‌های تربیت، از جمله تربیت اقتصادی باشند.

فهرست منابع

- *قرآن کریم.
*نهج البلاغه.
- ۱- آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۹۱)، فرهنگ معاصر عربی به فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
 - ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۷)، من لایحضره الفقیه، جلد ۳، ترجمه: علی اکبر غفاری و محمدجواد غفاری و صدر بلاغی، چاپ اول، تهران، نشر صدوق.
 - ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، جلد ۱۲، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 - ۴- ابی الحدید، فخرالدین ابو حامد، (۱۳۹۳)، شرح نهج البلاغه، تهران، مدبر.
 - ۵- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۰۱ ق)، غررالحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 - ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی تا)، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالتعارف.
 - ۷- افلاطون، (۱۳۵۴)، قوانین، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران، کاویان.
 - ۸- ایروانی، جواد، (۱۳۸۴)، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
 - ۹- ایمانی، محسن، (۱۳۹۱)، «تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، پیوند، شماره ۳۹۰ و ۳۹۱، ص ۱۵-۱۶.
 - ۱۰- باقری، خسرو، (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، جلد دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 - ۱۱- پیغامی، عادل، تورانی، حیدر، (۱۳۹۰)، «نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا، ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول»، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۹(۳۷)، ۳-۵۲.
 - ۱۲- جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، ج ۵، قم، مؤسسه انتشارات هجرت.
 - ۱۳- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۹)، کرامت در قرآن، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
 - ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، چاپ هشتم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۱۵- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ الف)، تسنیم، ج ۱۵، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۱، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۱۶- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ ب)، شمیم ولایت، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۱۷- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ الف)، انتظار بشر از دین، چاپ ششم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۱۸- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ ب)، تسنیم، ج ۴، چاپ ششم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۱۹- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ ج)، جامعه در قرآن، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۲۰- حر عاملی، محمد بن حسین، (۱۳۹۲)، وسائل الشیعة، جلد ۶، تهران، نشر آصف.
 - ۲۱- دورکیم، امیل، (۱۳۹۱)، تربیت و جامعه شناسی، ترجمه: فریدون سرمد، چاپ یکم، تهران، کندوکاو.
 - ۲۲- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۸)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات.

- ۲۳- ساموئلسن، پل، هاوس، نورد، (۱۳۸۸) *اصول علم اقتصاد*، مترجم: مرتضی محمدخان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۲۴- سیف، علی اکبر، (۱۳۸۸)، *روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش*، چاپ ششم، تهران، دوران.
- ۲۵- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴) *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۶- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۵۳)، *خلاصه تعالیم اسلام*، به کوشش داوود الهامی، تهران، کعبه.
- ۲۷- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۶۲)، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- ۲۸- طغیانی، مهدی، پیغامی، عادل، (۱۳۹۵)، *تعلیم و تربیت اقتصادی*، جلد اول تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- ۲۹- علاقه‌بند، علی، (۱۳۸۹)، *مقدمات مدیریت آموزشی*، چاپ سی و هفتم، تهران، نشر روان.
- ۳۰- علم‌الهدی، جمیله، (۱۳۹۱)، *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت (مبانی آموزش رسمی)*، چاپ اول، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.
- ۳۱- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- ۳۲- مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (۱۳۹۰)، تهران، انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۳۳- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۳۴- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۰)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- ۳۵- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار*، ج ۲۷، تهران، صدرا.
- ۳۶- مکارم‌شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، جلد ۱، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۷- میرمعزی، سید حسین، (۱۳۹۱)، *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

REFERENCES

* The Holy Quran.

* Nahj al-Balagha.

1. Azarnoush, Azartash, (1391), Contemporary Dictionary of Arabic to Farsi, Tehran, Farhang Moaser.
2. Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali, (1367), Man La Yahdhuruh al-Faqih, Vol. 3, translated by: Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Javad Ghaffari and Sadr Balaghi, first edition, Tehran, Sadouq Publishing.
3. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukarram, (1414 AH), Lisan al-Arab, Vol. 12, First Edition, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
4. Ibn Abi al-Hadid, Fakhruddin Abu Hamid, (1393), Commentary on Nahj al-Balagha, Tehran, Modabber.
5. Tamimi Amidi, Abd al-Wahid bin Muhammad (1401 AH), Ghurar al-Hikam, Qom, Islamic Tablighat Office.
6. Raghbi Isfahani, Hussein bin Muhammad, (n.d), Mu'jam Mufradat Alfaz al-Qur'an, Beirut, Dar al-Taaruf.
7. Plato, (1354), Laws, translated by: Mohammad Hasan Lotfi, Tehran, Kavian.
8. Irvani, Javad, (1384), Economic ethics from the perspective of the Qur'an, Mashhad, Razavi University of Islamic Sciences.
9. Imani, Mohsen, (1391), "Economic education in line with the realization of national production and support for Iranian work and asset", Peyvand, No. 390 and 391, pp. 15-16.
10. Bagheri, Khosrow, (1389), "An introduction to the philosophy of education of the Islamic Republic of Iran", second edition, Vol. 2, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company.
11. Peyghami, Adil, Turani, Heydar, (2018), "The role of the economics curriculum in the formal and public education program of the world, providing an action plan for a neglected curriculum", Educational Innovations Quarterly, 9(37), 3-52.
12. Jafari, Yaqub, (1376), Tafsir Kawsar, Vol. 5, Qom, Hijrat Publications Institute.
13. Javadi Amoli, Abdullah, (1369), Karamat dar Quran (Dignity in the Qur'an), 3rd edition, Tehran, Raja Cultural Publishing Center.
14. Javadi Amoli, Abdullah, (1384), Bonyan Marsus of Imam Khomeini (RA), 8th edition, Qom, Isra Publishing Center.
15. Javadi Amoli, Abdullah, (1388), Tasnim, Vol. 1, 7, 8, 9, 12, 15, second edition, Qom, Isra Publishing Center.
16. Javadi Amoli, Abdullah, (1388), Shamim Velayat, fifth edition, Qom, Isra Publishing Center.
17. Javadi Amoli, Abdullah, (1389 A), Man's Expectation from Religion, 6th edition, Qom, Isra Publishing Center.
18. Javadi Amoli, Abdullah, (2009), Tasnim, Vol. 4, 6th edition, Qom, Isra Publishing Center.
19. Javadi Amoli, Abdullah, (1389), Society in the Qur'an, third edition, Qom, Isra Publishing Center.
20. Hur al-Amili, Muhammad bin Hussein, (1392), Wasa'il al-Shi'a, Vol. 6, Tehran, Asif Publishing House.

21. Durkheim, Emil, (2012), Education and Sociology, translated by: Feridoon Sarmad, first edition, Tehran, Kandokav.
22. Sarukhani, Baqer, (1378), Research Methods in Social Sciences, Tehran, Research Institute of Human Sciences and Studies.
23. Samuelsen, Paul, House, Noord, (2008) Principles of Economics, translator: Morteza Mohammad Khan, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company.
24. Saif, Ali-Akbar, (1388), Modern Educational Psychology: Psychology of Learning and Education, 6th edition, Tehran, Dowran.
25. Tabatabaei, Muhammad Husein, (1374) translation of Tafsir al-Mizan, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, 5th edition, Qom, Islamic Publications Office of Jami'a al-Mudarrisin, Qom.
26. Tabatabaei, Muhammad Hussein, (1353), Kholasa Taalim Islam, prepared by Dawood Elhami, Tehran, Kaaba.
27. Turaihi, Fakhruddin bin Muhammad, (1362), Majma Al-Bahrain, Tehran, Mortazavi.
28. Toghyani, Mahdi, Peyghami, Adil, (1395), Economic Education and Training, Vol. 1, Tehran, Imam Sadiq University, Tehran.
29. Alagheband, Ali, (1389), Introduction to Educational Management, 37th edition, Tehran, Ravan Publishing House.
30. Alamul Huda, Jamila, (1391), Islamic theory of education (basics of formal education), first edition, Imam Sadiq University, Tehran.
31. Kulaini, Muhammad bin Yaqub bin Is'haq, (1407 AH), Al-Kafi, corrected by: Ali Akbar Ghafari and Muhammad Akhundi, 4th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
32. Theoretical foundations of the Fundamental Transformation of Education document, (1390), Tehran, Publications of the Supreme Council of Cultural Revolution.
33. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, (1403 AH), Bihar al-Anwar al-Jami'a li-Durar Akhbar al-A'immah al-At'har, second edition, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
34. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1390), Philosophy of Islamic Education, Tehran, Burhan School Cultural Institute.
35. Motahari, Morteza, (1377), Collection of Works, vol. 27, Tehran, Sadra.
36. Makarem Shirazi, Naser, et al., (1371), Tafsir Nomooneh, Vol. 1, First Edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
37. Mir-Moezzi, Seyyed Hossein, (1391), Macroeconomics with an Islamic Approach, Tehran, Culture and Thought Research Institute.
38. Stone, P, (1996), the General Inquirer: Acomputer Approach to Content Analysis. Cambridge: Viking.